

انتر ناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۳

جمعه ۲۳ تیر ۱۴۰۲، ۱۴ جولای ۲۰۲۳

توهامات خامنه‌ای در باره "نظم جدید جهانی"

محسن ابراهیمی

خامنه‌ای چندین بار پیش در دیدار با مداحانش، توهامات داهیه‌های در باره اوضاع جهان و موقعیت جمهوری اسلامی بروز داد. او گفت که بشریت در دوران کنونی بر سر "یک پیچ تاریخی" است. نشانه‌های "بزرگ و برجسته" این پیچ و این دوران چه‌ها هستند؟ "توجه به خدای متعال، استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه به وحی... و بیشترین جاذبه قران و اسلام و مکتب وحی، اسلام عزیز است که می‌تواند جامعه را سعادت‌مند کند."

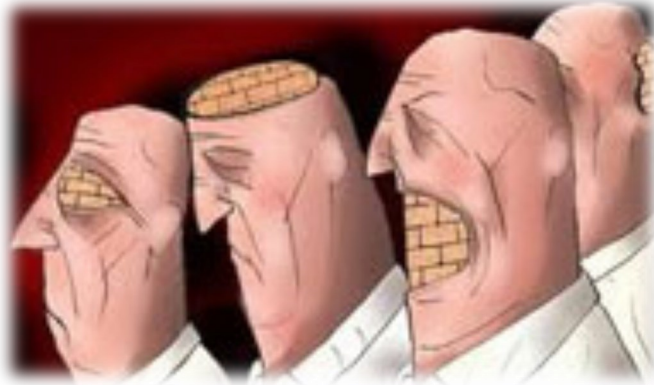
از سعادت‌مند کردن جامعه توسط "اسلام عزیز" بگذریم که به یمن حاکمیت طالبان در افغانستان و جمهوری اسلامی در ایران و آدمکشی فعال تروریسم اسلامی در جهان تا دلتان بخواهد شواهد مسلم وجود دارند که نشان می‌دهند "اسلام عزیز" هر کجا دستش رسیده ویرانی و تباهی و خون و چرک و کثافت باقی گذاشته است. اما یک چیز روشن است. اگر پیچ تاریخی با مشخصات مورد نظر خامنه‌ای یک گنده‌گویی متوهمانه است، ایران قطعاً وارد نه فقط یک پیچ بلکه یک تند پیچ تاریخی شده است. برعکس موهومات خامنه‌ای در باره پیچ تاریخی جهان، سر پیچ تاریخی ایران قرار است تکلیف خدا و قدرت لایزال و مکتب وحی و قران و "اسلام عزیز" و نمایندگان زمینی‌شان با پرتاب کل عمارت اسلامی به عمق دره روشن شود.

خامنه‌ای در همین زمینه به‌عنوان مکمل خزعبلات ذکر شده، پیش‌بینی "داهیه‌ها" اش را چپ و راست با یک عبارت تکراری دهن‌پرکن به خورد خلائق می‌دهد. او همچنین ادعا می‌کند که جهان وارد دورهای می‌شود که یک "نظم جدید جهانی" در حال شکل‌گرفتن است. مولفه‌های اصلی این نظم هم اینها هستند: انزوای آمریکا و اینکه دست‌وپای آمریکا از حضور در سراسر جهان کم خواهد شد؛ قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی از غرب به آسیا منتقل خواهد شد؛ فکر مقاومت و جبهه مقاومت گسترش خواهد یافت که مبتکرش جمهوری اسلامی است؛ و بالاخره جمهوری اسلامی در این نظم جدید جایگاه برجسته‌ای خواهد داشت و "جوان ایرانی" این وسط در شکل‌دادن به جایگاه برجسته جمهوری اسلامی نقش برجسته ایفا خواهد کرد!

اینها سخنان ولی فقیه‌ی است که حکومت تحت رهبری‌اش در ایران پادروها و در جهان منزوی است. سخنان رهبر حکومتی است که در ایران با یک انقلاب مواجه شده است و در سطح جهان هم سیاست خارجی‌اش به بن‌بست کامل رسیده است و راه خروجی هم ندارد. مشاوران سیاسی خامنه‌ای یا خودشان هم سردرگم هستند و یا نتوانسته‌اند او را حالی کنند که اولاً دولت آمریکا از هر جا هم که بیرون برود، ناوگان پنجمش را همین بیخ گوش جمهوری اسلامی در بحرین آماده نگه داشته است تا هم‌زمان با هویج ممانشات، چماقش را هم در جهت سیاست مہار منطقه‌ای حکومت اسلامی نشان دهد. ثانیاً، ممکن است در جوهری از هر "انتقال قدرت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و علمی"، چین جایگاه مهمی داشته باشد، اما جمهوری اسلامی باید کلاهش را محکم بگیرد که باد نبرد.

سیاست داخلی و خارجی جمهوری اسلامی یک ویژگی مشترک دارند. دوروی یک سکه هستند. مسئله

ادامه در صفحه ۶



۷۰۰ هزار میلیارد تومان، گردش مالی بدون مالیات در دو سال!

محمد شکوهی
صفحه ۲

دو کارزار مهم شهلا دانشفر صفحه ۳

نگرانی خامنه‌ای از پایان اسلام

اصغر کریمی
صفحه ۴

مرز آزادی بیان کجاست؟

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
صفحه ۵

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۸

۷۰۰ هزار میلیارد تومان، گردش مالی بدون مالیات در دو سال!



محمد شکوهی

*احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی اخیراً گفته است: "۱۷۶ هزار نفر شناسایی شدند که ۷۰۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی داشتند بدون اینکه یکبار به اندازه یک کارگر یا کارمند مالیات بپردازند."

کاری کنند و درآمدی دارند، مالیات می‌دهند. قانون بودجه‌بندی و بند درآمدهای مالیاتی امسال تأکید دارد کسانی که مالیات نمی‌پردازند، جریمه شده، به‌اضافه پرداخت محکوم شده و در صورت تکرار، حتی دادگاهی و محاکمه هم می‌شوند. این همه دقت و حساب و کتاب دقیق حکومت دزدان برای اخاذی از مردم به بهانه مالیات‌برد آمد، نشان می‌دهد که حکومت فقط و فقط توجهش را بر این بخش، یعنی مالیات بر درآمدهای کارکنان متمرکز کرده و اساساً این قشر محروم با هزار مشکل و فقر و حقوق‌های پائین، باید به‌موقع هم مالیات بپردازند.

متقابلاً قوانین پرداخت مالیات و سیستم مالیاتی حکومت و دولت تنها کاری که برای جلوگیری از فرار مالیاتی کرده، انتشار و اعلام هرازگاهی لیست‌های بلندبالا با ارقام نجومی فرار مالیاتی و توصیه‌هایی است که برای "افزایش" درآمدهای مالیاتی دولت، آن هم در صورتی که فراریان مالیاتی را پیدا نکنند. اما این ۱۷۰ هزار نفر که فرار مالیاتی دارند کجا هستند؟ و چرا حکومت و اداره امور مالیات دولت نمی‌تواند از اینها مالیات بگیرد؟ مورد مناطق آزاد تجاری یک نمونه که زیر چتر حمایت حکومت و بیت رهبری قرار دارد، از جمله بزرگ‌ترین فراریان مالیاتی است.

مناطق آزاد تجاری یکی از بزرگ‌ترین بخش اقتصاد حکومت است که نه‌تنها مالیات نمی‌پردازند؛ بلکه معافیت‌های مالیاتی هم دارند. تعداد این مناطق ۱۰ مورد است که گردش مالی نجومی دارند. علاوه بر این، دهها شرکت و زیرمجموعه وابسته به این مراکز در شهرهای مختلف کشور فعالیت می‌کنند. این مناطق به بهانه سهم کردن بخش خصوصی در اقتصاد و توسعه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی راه‌اندازی شده‌اند. پشت سر مناطق آزاد تجاری کنسرن‌های مالی و نهادهای قدرتمند نظام قرار دارند.

مناطق آزاد تجاری در دست باندهای حامی سیاست‌های "اقتصاد مقاومتی" که خامنه‌ای در سال‌های اخیر دستور راه‌اندازی‌شان را صادر کرده، عمدتاً در دست سرداران سپاه، بنیاد شهید، بنیاد برکت، شرکت‌های دانش‌بنیان، بخش صادرات و واردات شرکت‌های بازرگانی در وزارتخانه‌ها، دهها سازمان و شرکت‌های واردات و صادراتی حکومت هستند. یک مافیای عظیم حکومت که به هیچ‌کس پاسخگو نیستند.

سیستم مالیاتی فاسد در کنار قوانین و مقررات مالیاتی موجود، حامی اصلی و زمینه‌ساز فرار مالیاتی باندهای نظام و بستر کسب درآمدهای نجومی همین باندها است.

سیاست‌های مالیاتی نظام، با جهت‌گیری اعمال فشار بر اقشار کارکن جامعه برای اخذ مالیات‌های گوناگون و سرکشیه کردن مردم تصویب و به اجرا گذاشته شده است. کل این قوانین بر علیه مردم و در خدمت باندهای حکومتی است. نظام مالیاتی جاری در ایران، یکی از نقاط اوج تبعیض و تثبیت نابرابری اقتصادی قانونی و رسمی است. سیستمی که قدرت سیاسی و تمام امکانات و ثروت جامعه را در دست در اختیار باندهای حکومت قرار داده و درآمدهای نجومی‌شان را تضمین کرده است. متقابلاً قوانین سخت‌گیرانه، نابرابر و ضد مردمی را بر اکثریت مالیات‌دهندگان، یعنی کل کارکنان جامعه تحمیل کرده است.

جمهوری اسلامی حکومت دزدان، قاچاقچیان و حامی فراریان مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی و تحمیل فقر و فلاکت بر گرده مردم از طریق بی‌حقوقی مطلق مردم و دیکتاتوری عریان است. این نظام وارونه و ضد انسانی را با کلیتش باید به زیر کشید و این امر در دستور انقلاب مردم است. *

سیستم مالیاتی فاسد در کنار قوانین و مقررات مالیاتی موجود، حامی اصلی و زمینه‌ساز فرار مالیاتی باندهای نظام و بستر کسب درآمدهای نجومی همین باندها است.

۱. بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی
۲. کمیته امداد امام خمینی
۳. سازمان تبلیغات اسلامی
۴. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۵. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
۶. بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی
۷. ستاد اجرایی فرمان امام خمینی
۸. مرکز خدمات حوزه‌های علمیه
۹. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۰. جامعه‌المصطفی العالمیه

این تازه‌ترین خبر از ابعاد نجومی فرار مالیاتی نهادها و سازمان‌های قدرتمند حکومتی هستند که به‌انحاء مختلف

مالیات‌های رایج در سیستم مالیاتی حکومت را نه‌تنها نمی‌پردازند، بلکه معافیت‌های کاملاً قانونی و با توصیه‌های بیت رهبری نیز دریافت می‌کنند. این فقط بخشی از سیستم فاسد مالیاتی رایج در نظام اقتصادی حکومت است که طبعاً بسیار محتاطانه و با "رعایت عدالت مالیاتی" از زبان جناب وزیر بیان شده است.

بر اساس قوانین مالیاتی حکومت حداقل بین ۳۰ تا ۴۰ درصد این درآمدهای نجومی باید به‌عنوان مالیات به خزانه دولت پرداخت می‌شده که نشده است. رقمی حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان ناقابل!

زمینه‌ساز این وضعیت قوانین و سیستم مالیاتی حامی آن، به‌ویژه معافیت‌های مالیاتی و تبصره‌های ویژه هر ساله در بودجه‌بندی سالانه دولت با توصیه‌های خامنه‌ای است.

قوانین مالیاتی حکومت شامل حال همه کارکنان دولتی و غیردولتی و کل شاغلان جامعه در همه سطوح است. برای این بخش از مالیات‌ها حکومت تا آخرین ریالش را از طریق قانون و پیگیری و سرکشیه کردن مردم دنبال می‌کند. در بسیاری از مشاغل مالیات‌برد درآمد کارگران، معلمان، پرستاران، کارکنان خدمات و... اتوماتیک ماهانه از حقوق این جمعیت کارکن کسر می‌شود. به اعتراف حکومت بیشترین مالیات‌دهندگان کارکنان جامعه هستند.

دولت در بودجه امسال در بخش درآمدهای مالیاتی‌اش، از محل این نوع مالیات‌ها، درآمدی بالغ بر ۱۲۲ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی کرده است. یعنی همه کسانی که

دو کارزار مهم

داد. همانطور که اشاره شد این خبر تا همین جا یک عقب‌نشینی از سوی دستگاه قضایی جنایت‌کار جمهوری اسلامی است و بیش‌ازپیش به مردم روحیه و قدرت بخشیده و به طور واقعی جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام را گام مهمی به جلو برده است. در ادامه این موفقیت امروز مردم با هشتگ رپ جرم نیست بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط توماج صالحی تأکید دارند. در سطح بین‌المللی نیز اعتراضات برای آزادی او ادامه دارد. از جمله انجمن قلم آمریکا حکم ۶ سال حبس برای توماج صالحی را محکوم کرده و آن را نمونه بارز اقدامات وحشیانه مقامات ج.ا دانست و خواستار آزادی فوری این هنرمند شد. این انجمن ضمن اشاره به نیاز فوری توماج به درمان به دلیل شکنجه‌های شدید جسمی، در مورد وضعیت امنیت و آسایش توماج باوجود انتقال به بند عمومی اظهار نگرانی کرد.

اما فراتر از این، این پیشروی‌ها مردم را به قدرت خود برای نجات جان عباس دریس این شاهد کشتار رژیم در نزارهای ماهشهر، واقف تر کرده است. از جمله شورای بازنشستگان ایران می‌نویسد: "همان کارزاری که برای توماج راه‌اندازی شد برای عباس دریس هم بکار ببریم، یادمان نرود عباس در خطر جدی اعدام است."

همچنین حمایت از عباس دریس به‌عنوان شاهد کشتار رژیم با هشتگ #تیزارهای_ماهشهر در مدیای اجتماعی موج می‌زند. سهیل عربی از زندانیان سیاسی که خود سال‌ها زیر خطر اعدام بود و در نتیجه کارزاری جهانی از خطر مرگ رها شد در پاسخ به پیام سه فرزند عباس دریس که از همگان خواستار حمایت از پدرشان شده‌اند می‌نویسد: "هنوز فرصت داریم! هنوز فرصت داریم که جان یک انسان را نجات دهیم. هنوز فرصت داریم جان عباس دریس را نجات دهیم، هنوز فرصت داریم فرزندانش را از فاجعه‌ای دیگر نجات دهیم، فرزندی که مادرشان را از دست دادند... هنوز می‌توانیم. یک انسان و یک خانواده را نجات دهیم و در نتیجه به خودمان کمک کرده‌ایم، زیرا تمام جامعه را از آسیب‌های اعدام نجات داده‌ایم. برخیزیم، برخیزیم، هنگام قیام علیه اعدام و شکنجه است."

این چنین است که کارزار برای نجات جان عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ و کارزار برای آزادی توماج صالحی صدای انقلاب زن زندگی آزادی به هم پیوند دارند و جایگاهی مهم علیه اعدام و برای تداوم انقلاب پیدا کرده‌اند. دو کارزار مهمی که فراخوان آن قیام علیه اعدام و شکنجه و زندان است. با تمام قدرت به این دو کارزار بپیوندیم و به نجات جان عباس دریس بشتابیم و یک‌صدا خواهان آزادی کامل توماج باشیم.*

شهلا دانشفر



عباس دریس و توماج باید آزاد شوند. حمایت از عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش آبان ۹۸ در ماهشهر و توماج صالحی خواننده محبوب مردمی که نمادی از صدای اعتراض مردم در کف خیابان است، دو کارزار مهم مردمی است. دو کارزار مهم علیه زندان و شکنجه و اعدام که به طور واقعی پیوستگی خیزش آبان به انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش می‌گذارد. دو زندانی سیاسی که پرونده‌سازی علیه آنان به دو عرصه زورآزمایی حکومت با مردم تبدیل شده است.

حکومت آدمکش اسلامی حکم اعدام عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ را تأیید کرده و خطر مرگ این انسان معترض و زحمت‌کش را تهدید می‌کند. پرونده او مربوط به کشتار بی‌رحمانه ده‌ها نفر از معترضین توسط سروکوبگران حکومت در نزار ماهشهر در سال ۹۸ است. عباس دریس در سال ۹۸ به همراه برادرش محسن دستگیر شد.

سال ۹۸ ماهشهر در کنار ده‌ها شهر و منطقه درگیر کانون داغ اعتراضات مردمی بود. دامنه اعتراضات ماهشهر به پتروشیمی ماهشهر و کامیون‌های حمل بار از این مرکز نفتی نیز کشیده شد و حکومت به شدت وحشت کرده بود. از این رو با طراحی قاسم سلیمانی جلاد، معترضین با سلاح‌های جنگی با بی‌رحمی تمام در نزارهای ماهشهر به رگبار بسته شدند و شمار بسیاری در دم جان باختند. این جنایت کل جامعه و دنیا را تکان داد.

عباس از شاهدین این جنایت در ماهشهر است. عباس دریس و شماری از معترضین ماهشهر در جریان این جنایت وحشیانه بازداشت شدند و بعد عباس در زیر شکنجه‌های فراوان ناچار شد علیه خود در خصوص تیراندازی به نیروی انتظامی حکومت، اعترافاتی تلویزیونی انجام دهد. سپس او با همین پرونده‌سازی کاذب با اتهاماتی واهی همچون "محرابه، اختلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو" به اعدام محکوم گردید. رویداد تکان‌دهنده و تأسفانگیزتر این بود که کفایه حزبوی، همسر عباس وقتی خبر حکم اعدام عباس را شنید دچار سکنه مغزی شد و مدتی بعد درگذشت. بدین‌گونه حکومت اسلامی جنایتی دیگر در قبال همسر عباس دریس مرتکب شد. سه کودک خردسال آنها اکنون بدون پدر و مادر توسط مادر سالخورده عباس نگهداری می‌شوند.

سرنوشت عباس دریس و خانواده‌اش یک تراژدی انسانی و بسیار تکان‌دهنده است. سرنوشت او نمونه‌ای بارز از جنایات حکومت است.

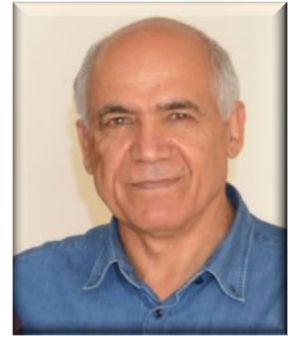
عباس دریس بیست سال کارگر اداره برق ماهشهر بود و به دلیل اخراج از کار به دست‌فروشی پرداخت. فرزندان او و مادر عباس اخیراً در ویدئویی خطاب به مردم از کذب بودن اعترافاتی که از عباس در زیر شکنجه گرفته شده سخن می‌گویند و از همگان طلب حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. باید جهانی به حمایت از عباس دریس شتافت.

به دنبال کارزار قدرتمندی که در حمایت از توماج صالحی به راه افتاد و اولین پیشرویش عقب‌نشینی حکومت از اتهامات منتسب به توماج و اعلام سراسیمه حکم شش سال و سه ماه حبس برای توماج، امروز در موقعیت بسیار قدرتمندتری قرار داریم که هم به کارزار برای آزادی توماج این خواننده محبوب که نمادی از انقلاب زن زندگی آزادی است، ادامه دهیم و هم عباس دریس را از اعدام و خطر مرگ نجات دهیم.

همه دیدیم که از روز ۱۱ تیرماه که دادگاه دوم توماج صالحی تشکیل شد و او با اتهام افساد فی الارض در خطر مرگ قرار داشت، مردم که توماج را فریاد اعتراض خود می‌دانند چگونه با کارزاری جهانی به حمایتش شتافتند. قدرت این کارزار به حدی بود که یک هفته بعدش در نوزدهم تیرماه رزا اعتماد انصاری وکیل توماج اعلام کرد که موکلش در دادگاه انقلاب تهران به اتهام افساد فی الارض به شش سال و سه ماه حبس محکوم شده و از بند انفرادی به بند عمومی منتقل شده است. در همین خبر و کیلش از تبرئه‌شدن توماج از اتهاماتی چون توهین به "بنیان‌گذار انقلاب و رهبری" و "ارتباط با دول متخاصم" گزارش



نگرانی خامنه‌ای از پایان اسلام



اصغر کریمی

است "غفلت و سستی" را کنار بگذارند و روی این "دشمن" که همه‌جا گسترده است و دارد ریشه حکومت را درمیپورد، تبلیغ کنند!

ما هم به این دشمن! فراخوان می‌دهیم که با تمام قوا به‌پیش. بنیادهای سیاسی و ایدئولوژیک حکومت را شکست داده‌ایم. قدم آخر سرنگونی خود حکومت اسلام است که دست جنبش کثیف اسلامی را نه‌تنها از سر مردم ایران که از سر مردم منطقه کوتاه خواهد کرد. اهمیت پیروزی‌های تاکتونی علیه اسلام و حجاب و مقدسات اسلامی و این آیات منفور خدا روی زمین را بدانیم و گام‌های بعدی را استوارتر به‌پیش برداریم. مردم شریف و آزاده دنیا عمیقاً با ما همدل و همبسته هستند.

بر گرفته از:

خامنه‌ای در جمع طلاب ضمن ابراز نگرانی "از خبرهایی که به او می‌رسد" گفت: "اگر در موضوع تبلیغ، غفلت و سستی کنیم دچار استحاله فرهنگی می‌شویم و همچنان که امام مکرر می‌گفت اگر اسلام در ایران سیلی بخورد تا سال‌های سال اثرش باقی خواهد بود."

خامنه‌ای بیشتر از هر آیت‌الله و مبلغ حکومتی دیگری از عمق فاجعه! آگاه است و می‌داند که مسئله کمی بیشتر از سیلی است! نگرانی خامنه‌ای پایان اسلام و در واقع پایان حکومت اسلام است. ۴۴ سال عملکرد حاکمیت اسلام به حد کافی مردم را در مورد عمق ماهیت اسلام آموزش داده است و همانطور که یکی از مقامات شورای عالی انقلاب فرهنگی اخیراً گفته است "جامعه ما به سمت بی‌دینی یا به سمت زوال تفکر دینی می‌رود. در حال حاضر دانش‌آموزانمان با فرهنگ ملی - دینی ما بیگانه هستند. حتی مردم نیز با فرهنگمان بیگانه هستند." یک دلیل نشست خامنه‌ای با طلاب هم همین افزایش روزمره تعداد آیت‌الله‌ها و مبلغانی است که به شکست اسلام اعتراف می‌کنند.

خامنه‌ای طبق معمول از "دشمن" و پشت‌صحنه تبلیغات "دشمن" و تهاجم فرهنگی "دشمن" حرف زد. در این مورد هم خامنه‌ای به روال معمول آدرس غلط می‌دهد درحالی‌که می‌داند دشمن همین جاست، در سراسر کشور و از جمله در تک‌تک خانه‌های آیت‌الله‌ها و مبلغان اسلامی. حکومتی ورشکسته، رهبری منفور و طلاب روحیه باخته‌ای که جرئت ظاهر شدن در خیابان‌ها را هم ندارند، یعنی یک لشکر تماماً شکست‌خورده قرار

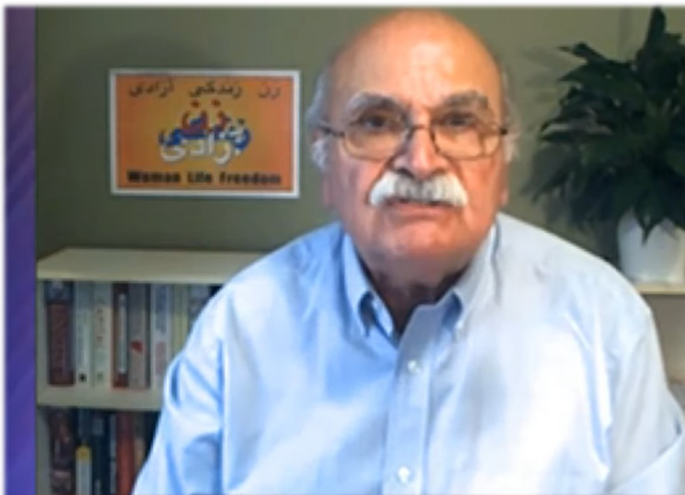
خبریه روزانه زورنال



**رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**The gender apartheid regime in Iran, like the
racial apartheid regime in South Africa, must be
expelled from the international community!**

**DOWN WITH
THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**



مرز آزادی بیان کجاست؟

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید
(با کلیک بر روی عکس، این برنامه قابل مشاهده است)

بر آزادی بیان به نظر من نفی کامل آزادی بیان است.

خلیل کیوان: چرا بسیاری از نیروها از جمله لیبرال‌ها که مدعی آزادی خواهی هستند حدود و ثغوری برای آزادی قائل می‌شوند؟ مثلاً می‌گویند نباید به عقاید و مقدسات ملی مذهبی و فرهنگی توهین بشود. نظرتان در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: منافع خاصی ایجاد می‌کند که این نیروها این‌طور صحبت کنند. نیروهای لیبرال در همه جای دنیا علاوه بر مذهب، بر دگم‌ها و باورها و مقدسات ملی میهنی هم تأکید دارند. در ایران مذهب حاکم است و سایه سیاه مذهب را همه‌جا می‌بینیم. زبان‌ها را می‌برند به بهانه توهین به مقدسات یا پیغمبر اسلام یا سب‌النبی و از این نوع توجیهات. ولی در کشورهای دیگر علاوه بر مذهب، ناسیونالیسم و میهن پرستی و خاک پرستی - تحت عنوان سنن و افتخارات تاریخی یک کشور یا یک ملت، به بهانه حفظ امنیت ملی که یکی از چماق‌های سرکوب جمهوری اسلامی هم هست، تحت عنوان حرست از مرزها و غیره - همیشه سدی در مقابل آزادی بیان بوده است. این محدودیت‌ها مستقیماً در خدمت طبقه حاکمه و اقلیتی است که قدرت سیاسی و بخش اعظم ثروت جامعه را در اختیار دارد. به طور واقعی آنچه برای دولت‌ها و طبقات حاکم مقدس است حفظ قدرت و ثروت است و دلیل وجودی و ارزش استفاده مقدسات ملی - میهنی - مذهبی نیز چیزی جز پاسداری از نظم موجود و قدرت طبقه حاکمه نیست.

آزادی بیان را جامعه لازم دارد دقیقاً برای نقد همین نوع مقدسات ملی - میهنی - مذهبی. اساس آزادی بیان، یا بهتر است بگوییم هدف و ضرورت آزادی بیان، این است که همین دگم‌ها و مقدسات را در هم بشکنند. اینها را نقد کند، اینها را کنار بزند. به همین دلیل اگر کسی بگوید من آزادی بیان را به رسمیت می‌شناسم؛ ولی نباید مثلاً به مقدسات ملی میهنی یا مذهبی یا باورهای مردم توهین شود، در واقع ره را برای توجیه محدودیت‌ها و بزنبندها و زبان‌پریدن‌ها باز کرده است.

توهین به عقاید به نظر من معنی ندارد. به افراد نباید توهین کرد؛ ولی هر عقیده‌ای قابل احترام نیست نمی‌شود بگوییم؛ چون نظراتی مورد قبول توده مردم است و مدت‌ها جزو باورهای عمومی بوده و غیره بنابراین از نقد مضمون است. آزادی عقیده و بیان عقیده به معنای این هم هست که هر عقیده‌ای را هر اندازه همه که در جامعه رایج و پرطرفدار باشد می‌شود نقد کرد و طبعاً طرفداران هر عقیده‌ای هم حق دارند از نظراتشان دفاع کنند. آزادی بیان یعنی دقیقاً همین، یعنی این دیالوگ، این گفتگو و این برخورد آزادانه آرا و افکار. این آزادی باید در جامعه وجود داشته باشد تا جامعه بتواند پویا باشد، پیشرفت کند، و یک جامعه زنده انسانی باشد.

خلیل کیوان: باین‌وصف چه رابطه‌ای بین آزادی مذهب و تبلیغات مذهبی و حق آزادی بیان می‌بینید؟

حمید تقوایی: روشن است که آزادی مذهب جزئی از آزادی عقیده است. هر کس آزاد است هر

خلیل کیوان: آیا آزادی بیان حد و مرزی دارد؟ آیا ترویج عقاید خرافی، ضد علمی و ضدانسانی باید مجاز باشند؟ آیا باید برای هر عقیده‌ای احترام قائل بود؟ رابطه آزادی بیان و آزادی مذهب چیست؟ آیا نقد تابوها، خرافات، مقدسات، دگم‌ها و عقاید ملی و مذهبی تحریک‌آمیز نیست؟ منجر به تنش در جامعه نمی‌شود؟ نباید حدودی بر آن قائل بود؟ و بالاخره زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی کشمکش بر سر آزادی بیان چیست؟

هزارگانه مسئله آزادی بیان به موضوع داغی در جامعه و در رسانه‌ها و افکار عمومی بدل می‌شود. اخیراً با آتش‌زدن قران در سوئد توسط یک پناهجوی عراقی این بحث بار دیگر بالا گرفت. پیش‌تر به مناسبت‌های مختلف از جمله کاریکاتورهای شارلی ابدو در فرانسه و همچنین در دانمارک و دیگر کشورها شاهد تهدید دولت‌های اسلامی و عربده‌کشی اسلام‌پوین بودیم. با هر برآمدی از این نوع پرسش‌های قدیمی دوباره برجسته می‌شوند. در برنامه امروز این پرسش‌ها را با حمید تقوایی در میان می‌گذاریم.

حمید تقوایی آیا آزادی بیان به معنی کلی آن، آن‌طور که در انگلیسی freedom of expression خوانده می‌شود، حدی و مرزی دارد؟ آیا ترویج و تبلیغ عقاید خرافی و ضد علمی و ضدانسانی نیز باید آزاد باشد؟

حمید تقوایی: به نظر من هیچ مرز و حدود و ثغوری برای آزادی بیان نباید قائل شد. چون شما هر شرط و هر قید و بندی که بگذارید نفس آزادی را نقض کرده‌اید. نفی آزادی بیان را همیشه با دلایل و یا بهتر است بگوییم بهانه‌هایی توجیه می‌کنند شبیه توهین به مقدسات مذهبی و ملی - میهنی، توهین به عقاید توده مردم، به خطر انداختن امنیت ملی، هنجار شکنی، زیر پا گذاشتن رسم و سنت‌های دیرینه و غیره و غیره. با این نوع توجیهات همیشه آزادی بیان را محدود و نقض کرده‌اند. بخصوص مذهب و مقدسات و دگم‌های مذهبی همیشه سدی بر سر راه بیان آزادانه افکار و عقاید بوده است. اگر کسی واقعاً به آزادی بیان معتقد است نباید هیچ قید و شرطی را بپذیرد؛ چون آزادی مشروط آزادی نیست.

در پاسخ به سؤال دوم شما که آیا بیان هر عقیده‌ای آزاد است، هم جواب مثبت است. هر عقیده‌ای باید آزاد باشد که خود را بیان کند. ضد علمی و یا خرافی و غیرانسانی بودن عقیده‌ای نباید موجب ممنوعیت بیان آن بشود. راه مقابله با عقاید غلط نقد آنها است و نه ممنوعیت ابراز آنها. اگر این معیار را بگذارید که مثلاً عقاید ضد علمی و یا خرافی و ضدانسانی حق ندارند بیان شوند راه را باز کرده‌اید که هر نوع تعبیر و تفسیری به میدان بیاید و جلوی بیان هر نوع عقیده‌ای گرفته بشود. همه دستگاه‌های تفتیش عقاید و ممیزی و "ارشاد" و "تشخیص مصلحت" و نظایر آن بر همین مبنا عمل می‌کنند.

وقتی ما از آزادی عقیده و آزادی بیان عقیده دفاع می‌کنیم منظورمان آزادی بی‌قید و شرط است برای هر نوع عقیده‌ای و برای هر نظری. جامعه باید همه نظرات را بشنود، سره را از ناسره تشخیص بدهد و خود تصمیم بگیرد چه نظری غلط، خرافی و ضدانسانی است و چه نظری صحیح و حقیقی و انسانی است. هر نوع محدودیتی بر آزادی بیان، هر نوع قید و شرط

مرز آزادی بیان کجاست؟

از صفحه ۵

مذهبی داشته باشد و یا هیچ مذهبی نداشته باشد و آزاد است عقاید مذهبی یا غیرمذهبی و ضدمذهبی خودش را هم بیان و تبلیغ کند.

در دنیا چندین هزار دین و مذهب مختلف وجود دارد و پیروان هر مذهب همیشه آزاد بوده‌اند که عقاید خودشان را تبلیغ کنند. اما آنچه آزادی بیان را تضمین می‌کند آزادی نقد مذاهب است. ما در عین اینکه معتقدیم پیرو هر مذهبی آزاد است عقاید خودش را ترویج کند، کتاب بنویسد، سخنرانی کند و عقایدش را اشاعه دهد، بر این نیز تأکید می‌کنیم که بی‌خدایان، کسانی که به هیچ خدایی معتقد نیستند، کسانی که غیرمذهبی و ضدمذهبی هستند، آنها هم کاملاً آزادند که مذهب را نقد کنند و حتی طنز و هجو و دیگر شیوه‌های ابراز نظر را در نقد مذهب بکار بگیرند. آزادی بیان و آزادی عقیده نه تنها مغایر با آزادی مذهب نیست؛ بلکه تضمین کننده آزادی مذهب است.

واقعیت آن است که عامل محدودیت و جلوگیری از تبلیغ مذهب معمولاً مذاهب دیگر هستند. به‌عنوان نمونه در جمهوری اسلامی بهائیان آزاد نیستند و کلاً همه مذاهب غیرشیعه تحت انواع فشارها هستند. کلیسای کاتولیک هم تاریخش مملو است از حمله به دیگر مذاهب. آن عاملی که آزادی مذهب را همیشه نقض کرده است مذهب مسلط در هر جامعه بوده. آزادی همه مذاهب به طور واقعی تنها در جوامع سکولار و لائیک می‌تواند وجود داشته باشد. این مذاهب هستند که علیه یکدیگر تیغ می‌کشند؛ اما اثنیست‌ها و

بی‌خدایان نیازی به نقض آزادی مذهب ندارند. مذهب را خرافه می‌دانند و فکر می‌کنند اگر جامعه آزاد باشد و هیچ محدودیتی برای ابراز عقاید ضد مذهبی و غیرمذهبی نباشد آن وقت می‌توان کاملاً مذهب را نقد و افشا کرد و کنار زد.

خلیل کیوان: بسیاری معتقدند تمسخر و هجو و طنز علیه مذهب پیروان آن را تحریک می‌کند و باعث ناآرامی و تنش و اعمال خشونت‌آمیز می‌شود. آیا نباید به باورها و احساسات توده مردم احترام گذاشت و با لاف‌ها آنها را تحریک نکرد؟

حمید تقوایی: ببینید طنز و تمسخر یکی از فرم‌های بیان است. شکلی از بیان است که خیلی هم در جامعه می‌تواند مؤثر باشد. می‌تواند شنونده‌های زیادی داشته باشد، می‌تواند انظار را جلب کند. جزء مهمی از آزادی بیان، آزادی گفتمان‌ها و کتابها و نمایشنامه‌ها و فیلم‌های طنز آلود و هجوآمیز علیه مقدسات و دگم‌ها و باورهای خرافی مردم است.

اینکه مردم تحریک می‌شوند هم مسئله‌ای نسبی است. هر چه این آزادی‌ها وسیع‌تر وجود داشته باشد احساسات عمومی هم کمتر تحریک می‌شود. ببینید در جوامع غربی مذهب یکی از سوزده‌های رایج کم‌دین‌ها و طنزپردازان است. کلاً در این جوامع آزادی نقد مذهب و هجو مذهب، هر مذهبی، بسیار بیشتر از جوامع اسلام‌زده نظیر جمهوری اسلامی وجود دارد و احساسات کسی هم جریحه‌دار نمی‌شود. حتی در جوامع اسلام‌زده هم این مردم نیستند که از هجو و طنز علیه مذهب تحریک می‌شوند - مشخصاً در ایران جوک‌های ضد مذهبی در مدیای اجتماعی و در جامعه بسیار رایج‌تر از کشورهای دیگر است - بلکه این دولت‌ها و کلیداران و متولیان مذهب هستند که تلاش می‌کنند مردم را تحریک کنند.

مشخصاً در جوامع اسلام‌زده‌ای نظیر جمهوری اسلامی دولت‌ها و مراکز و نیروهای اسلامی تالانشان این است که با هر نوع نقد و طنزی علیه اسلام و مقدسات اسلامی به تحریک مردم بپردازند و خود مستقیماً علیه آزاداندیشی وارد عمل بشوند. همانطور که در برخورد به کاریکاتورهای هفته‌نامه شارلی ابدو در فرانسه شاهد بودیم و یا در برخورد به قرآن‌سوزی‌ها می‌بینیم.

همه‌جا این نیروها و دولت‌های اسلامی هستند که به اسم مردم و به اسم تحریک احساسات می‌خواهند جلوی دهان‌ها را بگیرند. در همین موارد آتش‌زدن قرآن که اشاره کردید ما ندیدیم مثلاً مردم کشورهای اسلام‌زده به خیابان‌ها بریزند و شروع کنند به شورش و اعمال خشونت و غیره. عده معدودی که مستقیم یا غیرمستقیم به دولت‌ها و مراکز اسلامی وابسته‌اند هیاهویی می‌کنند و ماجرا فرو می‌خوابد.

نکته دیگر اینکه راه جلوگیری از تحریک احساسات مذهبی (چه از سوی دولت‌ها و نیروهای مذهبی و چه بخشی از جامعه) نقد و هجو هر چه وسیع‌تر مذهب است. شما هر چه بیشتر نقد طنزآمیز مذهب را رواج بدهید به همان اندازه جامعه با سعه‌صدر و انعطاف بیشتر به مسئله برخورد می‌کند و تنش هم در کار نخواهد بود. راهش این است که این سنت نقد مذهب را ادامه و گسترش بدهیم.

خلیل کیوان: من جامعه‌ای را نمی‌شناسم که تابو و مقدسات نداشته باشد. تقریباً در همه‌جا با این مسئله روبرویم. باورهای ملی مذهبی میهنی از جمله این تابوها و مقدسات است. به نظر شما آیا صرفاً با آزادی بیان و نقد این باورها و دگم‌ها می‌شود با آنها مقابله کرد و از میانشان برداشت؟ آیا راه مقابله با اینها از بین بردن زمینه‌ها و علل اجتماعی و اقتصادی آنها نیست؟

حمید تقوایی: روشن است که هر عقیده‌ای بالاخره زمینه‌های اجتماعی و عینی دارد. از جمله مذهب که ریشه‌اش وجود فقر، تبعیضات، نابرابری‌ها، و رنج و مصیبت‌های گریبان‌گیر توده مردم است. مذهب در واقع برای قابل تحمل کردن این دنیای نابرابر و غیرانسانی ضرورت پیدا کرده است. نقش مذهب این است که عدل و برابری و حل همه محرومیت‌ها و مصائب موجود را به دنیای دیگر حواله بدهد و توده مردم را مطیع و آرام کند. این کاربرد مذهب برای طبقات دارا و طبقات حاکم در تمام طول تاریخ بوده است.

کاربرد مقدسات ملی - میهنی نیز دفاع از منافع طبقه حاکمه تحت نام منافع ملی است. همه جنگ‌ها تحت عنوان دفاع از میهن و منافع ملی در گرفته؛ ولی در واقع هدف و علت واقعی آنها حفظ و یا گسترش منافع طبقه حاکم - در عصر ما طبقه سرمایه‌دار - در یک کشور در رقابت با حاکمین کشورهای دیگر است.

از این‌رو در این تردیدی نیست که شرط اجتماعی ریشه‌کن شدن مذهب و ناسیونالیسم این است که جامعه طبقاتی از بین برود. برای ریشه‌کن کردن این مقدسات و تابوها باید شرایط عینی که این خرافات را ایجاد می‌کند نفی بشود و اساس این شرایط عینی نابرابری‌های طبقاتی است. ولی مبارزه علیه این شرایط عینی در خلأ اتفاق نمی‌افتد. بالاخره همه مصائب موجود در جوامع امروزی، از فقر و بی‌حقوقی و نابرابری و سرکوب تا تبعیض علیه زنان و سلطه حکومت‌های جنایت‌کاری نظیر جمهوری اسلامی ناشی از سلطه مناسبات سرمایه‌داری است. همانطور که مبارزه در تک‌تک این عرصه‌ها جزء لاینفک‌های مبارزه علیه طبقه حاکمه است، مبارزه علیه مقدسات ملی - مذهبی نیز جزء مهمی از مبارزه عمومی علیه سلطه سرمایه است. به‌عبارت‌دیگر مبارزه علیه تابوها و مقدسات ملی - مذهبی از مبارزه علیه شرایط عینی موجد این مقدسات جدا نیست.

می‌توان گفت رابطه دوطرفه‌ای بین آزادی‌ها، آزادی بیان، آزادی عقیده و غیره و شرایط عینی محدودیت بر سر آزادی وجود دارد. هر چه شما بیشتر در عرصه آزادی‌ها جلو بروید به همان اندازه بیشتر تیشه به ریشه عینی این محدودیت‌ها زده‌اید.

خلیل کیوان: به پرسش آخر می‌رسیم. اهمیت مبارزه برای آزادی بیان را چطور می‌بینید؟ چه جایگاه تاریخی اجتماعی طبقاتی برای آن قائل هستید؟

حمید تقوایی: تاریخاً آزادی بیان در مبارزه با مذهب مطرح شده است. در انقلاب کبیر فرانسه و قبل از آن در رنسانس در ایتالیا و به دنبال آن، از نظر فکری و از نظر فلسفی در جنبش روشنگری، آزادی بیان با سلطه کلیسا روبرو بود. آزاداندیشان و آزادی‌خواهان آن دوره هدفشان از مبارزه

همه‌جا نژادپرستی و ناسیونالیسم و مرز و پرچم پرستی

و بیگانه‌ستیزی و غیره را در کنار مذهب به چماقی علیه آزادی‌ها

بدل کرده‌اند. آزادی بیان در واقع با این دو مانع اساسی

روبروست و ما باید در دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط این را

تأکید کنیم که آزادی نقد تابوها و مقدسات مذهبی و ملی -

میهنی رکن اساسی آزادی بیان است.

مرز آزادی بیان کجاست؟ از صفحه ۶

برای آزادی بیان این بود که بتوانند اولاً مذهب را از حاکمیت پایین بکشند و ثانیاً راه را برای پیشرفت و شکوفایی علم و هنر که در چنگال کلیسا اسیر بود هموار کنند. می‌دانید که مذهب یک رکن اساسی همه سیستم‌های اشرافی حاکم در اروپای آن زمان بود و برای هر پیشرفتی باید این مانع کنار زده می‌شد. به همین خاطر آزادی خواهان آن دوره با مذهب به‌عنوان یک رکن اساسی استبداد و سرکوب و بی‌حقوقی و انجماد و سکون فکری در جوامع قرون وسطایی روبرو بودند. به این علت بود که مبارزه برای آزادی عقیده با آزادی نقد مذهب شروع شد و قربانیان بسیاری هم داشت. جوردانو برونوها را در آتش سوزاندند، گالیله‌ها را به محاکمه کشیدند و از فعالیت علمی باز داشتند، و در دادگاه‌های مذهبی شبیه بیدادگاه‌های امروز جمهوری اسلامی هزاران آزادی خواه را به مرگ محکوم کردند، مصلوب کردند و در آتش سوزاندند.

در واقع تاریخ دفاع از آزادی بیان، تاریخ مبارزه علیه سلطه مذهب است. امروز هم همانطور که توضیح داده شد، یکی از موانع اصلی بر سر تأمین آزادی بیان مقدسات و باورهای مذهبی است. در جمهوری اسلامی این را به روشنی دارید می‌بینید و در بسیاری کشورها هم به درجات مختلف مذهب همین نقش را ایفا می‌کند. همه جا نود در صد محدودیت‌ها بر سر آزادی بیان و عقیده از جانب کلید داران و مراکز مذهبی اعمال می‌شود.

می‌توان گفت امروز هم مبارزه برای آزادی بیان ادامه همان مبارزای است که با رنسانس و بعد با عصر روشنگری و با انقلاب کبیر فرانسه شروع شد. نقشی که مسیحیت در قرون وسطی داشت امروز اسلام سیاسی در ایران و در خاورمیانه و در شمال آفریقا ایفا می‌کند؛ بنابراین امروز هم باید تأکید کرد که آزادی بیان قبل از هر چیز یعنی آزادی نقد مذهب. اگر به هر بهانه‌ای نقد مذهب را محدود کنید چیز زیادی از آزادی بیان باقی نمی‌ماند. در تمام طول تاریخ این طور بوده و امروز هم همین طور است.

فقط امروز باید مقدسات و باورها و تابوهای ملی میهنی را هم هدف قرار داد. به‌خاطر اینکه طبقات حاکم مذهب و ناسیونالیسم هر دو را علیه آزادی‌ها بکار گرفته‌اند و همه‌جا نژادپرستی و مرز و خاک و پرچم پرستی و بیگانه‌ستیزی و غیره را کنار مذهب به کار می‌گیرند. آزادی بیان در واقع با این دو مانع اساسی روبروست و ما باید در دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط این را تأکید کنیم که آزادی نقد تابوها و مقدسات مذهبی و ملی - میهنی رکن اساسی آزادی بیان است.

فقط در عصر ما باید مقدسات و باورها و تابوهای ملی میهنی را هم به خرافات مذهبی اضافه کرد. طبقات حاکم مذهب و ناسیونالیسم هر دو را علیه آزادی‌ها بکار گرفته‌اند و همه‌جا نژادپرستی و ناسیونالیسم و مرز و خاک و پرچم پرستی و بیگانه‌ستیزی و غیره را در کنار مذهب به چماقی علیه آزادی‌ها بدل کرده‌اند. آزادی بیان در واقع با این دو مانع اساسی روبروست و ما باید در دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط این را تأکید کنیم که آزادی نقد تابوها و مقدسات مذهبی و ملی - میهنی رکن اساسی آزادی بیان است.*

۱۲ ژوئیه ۲۰۲۳، ۲۱ تیر ۱۴۰۲



توهمات خامنه‌ای در باره "نظم جدید جهانی" از صفحه نخست



برای جمهوری اسلامی هم در عرصه داخل و همه در عرصه سیاست خارجی تأمین بقای سیاسی همین امروز تا فردا است نه تأمین ثبات استراتژیک. مسئله‌اش سازماندهی و سازماندهی اقتصاد و اداره جامعه حتی با حداقلی‌ترین معیارهایی که از یک نظام سرمایه‌داری می‌توان انتظار داشت نیست. ماندن در قدرت تا فرداست. به تأخیر انداختن سقوط است. در هر دو عرصه داخلی و جهانی، این حکومت به اعمالی دست می‌زند که فقط نشان‌دهنده استیصال است نه قدرت، البته همیشه با دوز بالای از رجزخوانی ملالت‌بار. به‌خاطر بیابورید بعد از قتل قاسم سلیمانی توسط دولت آمریکا، ابراهیم رئیسی وعده داد که در باره رئیس‌جمهور آمریکا حکم خدا جاری و قصاص خواهد شد! معلوم بود وعده قصاص رئیس‌جمهور یک کشور دیگر از آن رجزهای توخالی است که سران حکومت اسلامی به آن عادت کرده‌اند. دیدیم که رئیس‌جمهور آمریکا قصاص نشد؛ اما عکس‌ها و مجسمه‌های قاسم سلیمانی در ایران به آتش کشیده شد. آن هم توسط همان جوانانی که به‌زعم خامنه‌ای قرار بوده به توهماتش جامه عمل ببوشانند و "جایگاه برجسته جمهوری اسلامی در نظم نوین جهانی" را تأمین کنند.

جایگاه "برجسته" جمهوری اسلامی در "نظم جدید جهانی"؟! این دیگر جوک است. قاچ زین را بچسب، اسب‌سواری پیشکش! مضحک بودن این توهم در باره نقش برجسته جمهوری اسلامی در "نظم جدید جهانی" را می‌توان از برخورد روسیه و چین که ظاهراً دو نیروی اصلی آن هستند به‌خوبی دید.

می‌دانیم که خامنه‌ای خیلی علاقه دارد انزوای رو به گسترش حکومت اسلامی در جهان را با لاف‌وگراف توخالی در باره سیاست "راهبردی نگاه به شرق" ببوشاند. اما همچنان می‌دانیم که حتی همین سیاست هم که ظاهر استراتژیک دارد، از طرف جمهوری اسلامی اقدامی از سر استیصال در رابطه با اقتصاد ورشکسته و پا در گل مانده و مهم‌تر از آن بحران حاد حکومتی است. اما یک طرف این معادله به‌اصطلاح استراتژیک "نگاه به شرق" که روسیه و چین هستند هرگز به جمهوری اسلامی به‌عنوان یک شریک و متحد استراتژیک، نه از نظر اقتصادی و نه از نظر سیاسی نگاه نکرده‌اند و نخواهند کرد. جمهوری اسلامی برای آنها از یکطرف یک سفره گسترده اقتصادی برای چپاول است و در قلمرو سیاسی و دیپلماسی جهانی یک کارت بازی است که وقت خودش همچون یک کارت سوخته می‌تواند دور بیندازند.

رفتار سیاسی هر دو دولت روسیه و چین با جمهوری اسلامی همین را به‌خوبی نشان می‌دهند. پوتین با یک‌دست با هدیه یک قران نفیس سر خامنه‌ای را به دوران می‌اندازد و با دست دیگرش به اسرائیل چراغ‌سبز نشان می‌دهد که مواضع سپاه قدس در سوریه را بمباران کند. دیدیم که وقتی در جریان جنگ در اوکراین لازم شد، روسیه فعالانه تلاش کرد تا مذاکرات بی‌رمق برجام را کاملاً متوقف کند تا اروپا را بیشتر محتاج انرژی روسیه نگه دارد. همین هفته روز دوشنبه هم درحالی که جمهوری اسلامی همچنان در باره نگاه راهبردی به شرق لفاظی می‌کرد، در نشست "گفتگوی راهبردی روسیه و کشورهای شورای همکاری خلیج" در مسکو، روسیه و دولت‌های حاشیه خلیج در یک بیانیه مشترک خواهان "ارجاع پرونده جزایر سه‌گانه به دیوان بین‌المللی دادگستری به‌منظور حل‌وفصل این مسئله مطابق با مشروعیت بین‌المللی" شدند. جالب است که چین هم که با قرارداد ۲۵ ساله اش معلوم نیست در چه ابعادی مشغول چپاول است، سال گذشته با همین شش کشور بیانیه مشترکی با همین مضمون امضا کرد. یعنی هر دو دولت با این کارشان نشان دادند که مهم نیست این به‌اصطلاح "متحد استراتژیک" خیلی علاقه دارد گالها با سروصدا در باره "مالکیت ابدی ایران بر جزایر سه‌گانه" قیافه مضحک "مدافع منافع ملی و تمامیت ارضی" بگیرد، آنها کار خودشان را پیش می‌برند.

و در آخر جا دارد به یاد خامنه‌ای و دارودسته‌اش بیندازیم که آن "جوان ایرانی" مورد ادعایش که تصور می‌کند قرار است نقش برجسته برای تحقق تصورات مایخوبیایی او در "نگاه به شرق" و "نظم جدید جهانی" ایفا کند، مشغول کار مهم‌تری است. با شعاع زن زندگی آزادی به میدان آمده است تا نظام اسلامی را ویران کند، و بر ویرانه‌هایش همین‌جا در خود ایران نظم جدیدی مستقر کند.*

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر

ساعت ده صبح امروز ۱۸ تیر بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه یکشنبه‌های اعتراض خود در چندین شهر مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای کرمانشاه، شوش، هفت‌تپه و اهواز در اعتراض به وضع وخیم معیشتی و اختلاس‌ها و دزدی‌ها از صندوق بازنشستگی صندوق تأمین اجتماعی برگزار شد. همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر، درمان رایگان، پایان دادن به دزدی‌ها و بازگرداندن پول‌های به سرقت رفته به صندوق بازنشستگی از جمله خواست‌های اعلام شده این بازنشستگان است. در این تجمعات بنرهایی با عنوان درمان رایگان حق مسلم ماست و اعتراض به حقوق‌های چندین بار زیر خط فقر توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. مصوبه مزدی شورای عالی کار و برنامه توسعه هفتم از دیگر موضوع اعتراضات این بازنشستگان است.

بازنشستگان در این تجمعات شعار می‌دادند: "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "خواست ما این زمان معیشت است و درمان"، "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه"، "اعتراض، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "بازنشسته به پا خیز علیه فقر و تبعیض"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت"، و "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون". در شوش و اهواز بازنشستگان در سطح شهر با شعار دادن دست به راهپیمایی زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ تیر ۱۴۰۲، ۹ جولای ۲۰۲۳

۱۹ تیر: تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر

امروز ۱۹ تیرماه بازنشستگان مخابرات به روال دوشنبه‌های گذشته در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای تهران، شیراز، سمنان، کرمانشاه، مشهد، در مقابل ساختمان‌های مخابرات در این شهرها برگزار شد.

بازنشستگان شعار می‌دادند: "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "اجرای آیین‌نامه حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم هر روز همین بساط است"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته می‌میرد، تبعیض نمی‌پذیرد"، "بازنشسته بیدار است از وعده‌ها بیزار است"، "جیره غیرنقدی پرداخت باید گردد"، "هزینه درمانی واریز باید گردد".

اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر و درمان رایگان دو خواست فوری و سراسری همه بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ تیر ۱۴۰۲، ۱۰ جولای ۲۰۲۳

تظاهرات گسترده در زاهدان

حمایت مردم از توماج صالحی و عباس دریس

امروز ۱۶ تیر مردم در زاهدان برای چهلمین هفته وسیعاً به خیابان آمدند و با شعارهای ضد حکومتی و علیه سرکوبگری‌های حکومت تداوم انقلاب را فریاد زدند. در این تظاهرات مردم با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد صدای اعتراض خود را علیه زندان و سرکوب و اعدام بلند کردند. بنرهایی در حمایت از توماج صالحی خواننده محبوب و مردمی رپ و عباس دریس از بازداشت‌شدگان خیزش سال ۹۸ مردمی در ماهشهر در این تجمعات قابل توجه بودند. در این بنرها نوشته شده بود: "او صدای ما بود، ما حالا صدای او باشیم جانش در خطر است"، "توماج صالحی، عباس دریس، زندانی سیاسی"، "مرگ بر خامنه‌ای".

در این اعتراضات مردم شعار می‌دادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه".

جمعه‌های اعتراض در زاهدان به دنبال جمعه خونین در این شهر در هشتم مهرماه سال گذشته که به کشته‌شدن صد نفر منجر شد و در دادخواهی از این جنایت وحشیانه شکل گرفت. زیر فشار اعتراضات مردم مقامات حکومتی پیش‌تر بدون ذکر جزئیات اعلام کردند که هنوز رأی قطعی دادگاه نیروهای نظامی متهم در این پرونده قطعی نشده و برای ۱۱ متهم که تیراندازی آنها باعث مرگ افراد شده پرونده‌ای جدید تشکیل شده است. اما مردم دادخواه هستند و بر ادامه انقلاب پای می‌فشارند.

بنا بر گزارشات منتشر شده دستگیری‌های گسترده‌ای در زاهدان شروع شده است، به طور خاص از امروز ۱۵ تیر نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی با بهانه‌های مختلف از جمله نداشتن مدارک شناسنامه، نداشتن گواهینامه و همچنین نداشتن مدرک سرپازی اقدام به دستگیری پیر و جوان و سواره و پیاده می‌کنند. بر اساس همین گزارشات سیستان و بلوچستان به طور خاص زاهدان در یک محاصره اعلام نشده قرار دارد و در این شهر نزدیک به یک هفته است آب قطع شده و به طور مثال اطراف خیابان خیام ساعتی طولانی آب قطع کامل است. همچنین برق حاشیه شهر مستمراً قطع و وصل می‌شود و برای مردم مشکلات معیشتی بسیاری ایجاد کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۴۰۲، ۷ جولای ۲۰۲۳

احمد قتل عمر دولتی است!

توماج باید فوراً و بی‌قید و شرط آزاد شود

وکیل توماج صالحی گفته است که "توماج در دادگاه بدوی به اتهام فساد فی‌الارض به شش سال و سه ماه حبس محکوم شده و از اتهامات توهین به بنیان‌گذار انقلاب و رهبری و ارتباط با دول متخاصم تبرئه شده است." طبق گفته این وکیل، توماج که از هشتم آبان ۱۴۰۱ در انفرادی به سر برده است به بند عمومی زندان منتقل شده است.

جرم توماج این است که در شعرهایش به فساد در نظام و زندان و شکنجه و اعدام و فقر و محرومیت مردم پرداخته است. جرمی! که او را به خواننده‌ای محبوب در میان مردم و به یک هنرمند شناخته شده در سطح جهان تبدیل کرده است.

از روز ۱۱ تیرماه که دادگاه دوم توماج او را به افساد فی‌الارض متهم کرده بود، اعتراضات گسترده‌ای در داخل و خارج کشور سازمان داده شد. این اعتراضات را باید برای آزادی توماج و همین‌طور عباس دریس که به افساد فی‌الارض محکوم شده ادامه داد و آنها را از چنگال حکومت نجات داد.

اعتراض به حکومت جنایت‌کاران حق بی‌چون و چرای مردم است. این جنایت‌کاران حاکمانند که باید به محاکمه کشیده شوند و به محاکمه کشیده خواهند شد. این را تداوم انقلاب زن زندگی آزادی تضمین خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ تیر ۱۴۰۲ | ۱۰ جولای ۲۰۲۳



ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه

اعتراضات کارگران نیشکر هفت‌تپه همچنان ادامه دارد. امروز ۱۴ تیر این کارگران در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و اختلافات فاحش حقوق بین شرکت‌های هفت طرح و هفت‌تپه به تجمعات و اعتراضات خود ادامه دادند.

روز گذشته این کارگران اولتیماتوم دادند که چنانچه تا پایان هفته جاری اقدامی صورت نگیرد، روز شنبه تجمع اعتراضی خود را در مقابل استانداری خوزستان برپا خواهند نمود.

کارفرمایان دولتی و خصوصی به بهانه‌های مختلف از حقوق زیر خط فقر کارگران دزدی می‌کنند و زندگی مشقت باری را به کارگران تحمیل کرده‌اند. اعتراضات کارگران و بازنشستگان و بخش‌های دیگر طبقه کارگر هر روز در اشکال مختلف و در مناطق مختلف جریان دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ تیر ۱۴۰۲ | ۵ جولای ۲۰۲۳

تجمع اعتراضی کارگران قراردادی در نیشکر هفت‌تپه،

معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و یزد و دو خبر دیگر

روز ۷ تیرماه ۱۴۰۲، کارگران رسمی و تعدادی از کارگران قراردادی شرکت نیشکر هفت‌تپه برای چندمین بار در اعتراض به عدم اجرای دقیق طرح طبقه‌بندی مشاغل که می‌تواند چندرغازی به مزدشان اضافه کند و دیگر خواست‌های پاسخ‌نگرفته‌شان مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع و اعتراض کردند و خواستار پاسخگویی مسئولین به خواست‌هایشان شدند. کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی به نتیجه نرسند به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

روز شش تیر معلمان بازنشسته در کرمانشاه و اردبیل و در چهار تیر در یزد در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری خواست‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی تجمع کردند. در اردبیل بازنشستگان شعار می‌دادند: "تورم گرانی، ننگ بر این زندگی"، و "معلم زندانی، آزاد باید گردد".

در کرمانشاه یکی از بازنشستگان طی سخنرانی‌ای اعتراض خود را به فقر و فلاکت و تبعیض طبقاتی اعلام دشت و گفت: "سرانجام فلاکت به پایان می‌رسد. سرانجام این یلدای طولانی میهن به پایان می‌رسد. آفتاب عدالت و برابری از پس البرز و دماوند بر سرزمین کهن ایران زمین می‌تابد. سرانجام همه جلوه‌های گوناگون ظلم و تبعیضات گوناگون نژادی، جنسیتی و مذهبی برچیده خواهد شد. سرانجام همه کودکانمان نه در مدارس مختلف بلکه در یک نوع مدرسه آن‌هم با امکانات به‌روز به فراگیری دانش و تربیت خواهند پرداخت. سرانجام پدیده شرم‌آور زباله‌گردی، کودکان کار، گورخوابی، پارتی‌بازی و غیره با همت مردم آگاه و متحد نابود خواهد شد. سرانجام فاصله طبقاتی وحشتناک آن‌هم در کشور ثروتمندی چون ایران رخت بر خواهد بست و سرانجام بازنشستگان آگاه، شجاع، متحد، باراده و مطالبه‌گر و خستگی‌ناپذیر به حقوق قانونی خود دست خواهند یافت. به امید آن روز." سخنان این بازنشسته با کف‌زدن حاضرین همراه شد. همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای خط فقر که امروز رقم آن سی‌میلیونی است، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی‌کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، از جمله خواست‌های اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان بوده است و هم اکنون دور جدیدی از اعتراضات بازنشستگان معلم آغاز شده است.

روز ۶ تیرماه شماری از شهروندان دارای معلولیت در تهران، در اعتراض به "عدم اجرای قانون حمایت از معلولان" و وضع بسیار بد معیشتی خود در مقابل ساختمان قوه قضائیه دست به تجمع زدند.

روز ۶ تیر جمعی از کشاورزان در قزوین، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و مسئله حبابه و وضع بد معیشتی خود در مقابل درب استانداری، تجمع و اعتراض کردند.

روز ۵ تیر جمعی از نانوایان در مشهد در اعتراض به هزینه‌های سنگین معیشتی و در آمد بسیار کم خود مقابل اتحادیه نانوایان تجمع کردند.

اعتراض علیه گرانی، فقر و بی‌تأمینی یک محور سراسری اعتراضات مردمی توسط بخش‌های مختلف مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ تیر ۱۴۰۲ | ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳

تجمعات بازنشستگان کشوری در چند شهر، کارگران پتروشیمی دهلران، مراسم خاک‌سپاری پیمان گلوانی و حکم دو سال حبس سپیده قلیان

روز ۲۰ تیر بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراض خود علیه فقر و گرانی و پیگیری خواست‌هایشان، دست به تجمع و اعتراض زدند. این اعتراضات و تجمعات بنا به گزارشات تکتونی در شهرهای سنج، کرج، یزد، اردبیل، کرمانشاه، ممسنی و دهلران برگزار شده است. بازنشستگان با خشم شعارهای اعتراضی‌شان را فریاد می‌زدند که «بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن»، «همسان‌سازی کامل، حق مسلم ماست»، «معلم زندانی، آزاد باید گردد»، «آموزش رایگان، حق فرزند ایران»، و «می‌میریم می‌میریم، ذلت نمی‌پذیریم». در این تجمعات بازنشستگان معترض بنه‌هایی در دست داشتند و خواست‌هایی چون «معیشت، منزلت، حق مسلم ماست»، «معلم زندانی آزاد باید گردد»، و «آموزش رایگان» برجسته بود. در کرمانشاه بازنشستگان همچنین شعار می‌دادند: «می‌زنم فریاد، هرچه باداباد، وی از این طوفان وی از این بیداد».

همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش آن به بالای خط فقر سی میلیون تومانی، درمان رایگان، تحصیل رایگان برای همه کودکان، پایان دادن به امنیتی‌کردن مبارزات و آزادی معلمان زندانی، و پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدی‌ها، از جمله خواست‌های اعلام شده معلمان بازنشسته در تجمعاتشان است.

در این روز همچنین جمعی از کارگران پروژه‌های پتروشیمی دهلران در اعتراض به تعطیلی این پروژه و بیکاری حدود ۲۰۰۰ کارگر مقابل فرمانداری شهرستان دهلران دست به تجمع زدند.

امروز همچنین مراسم خاک‌سپاری یکی از جان‌باختگان انقلاب، پیمان گلوانی، با حضور گسترده مردم خشمگین در مه‌آباد برگزار شد. در این مراسم مردم با سردادن شعارهایی چون «شهید نمی‌میرد» و «آزادی خون می‌خواهد، فرزند نترس می‌خواهد» یاد جوان جان‌باخته پیمان گلوانی را گرامی داشته و بر ادامه راه او تأکید کردند.

پیمان گلوانی، ۴۰ ساله اهل مه‌آباد بود که در تاریخ ۴ تیر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد و بر اثر شکنجه در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه به قتل رسید. بر اساس گزارشات مه‌آباد اکبرپور دادستان جنایت‌کار مه‌آباد در گفت‌وگو با رسانه‌های حکومتی مرگ پیمان گلوانی را بر اثر «بیماری» اعلام کرده بود، اما تصویر منتشر شده از وی حاکی از شدت شکنجه و خشونت به کار رفته علیه اوست. حزب کمونیست کارگری نفرت و انزجار عمیق خود را علیه حکومت مرگ و شکنجه‌بران می‌کند و مراتب همدردی و تسلیت خود را با خانواده این عزیز و مردم مه‌آباد و همگان اعلام می‌کند. ننگ و نفرت بر حاکمان کثیف اسلامی!

خبر دیگر در مورد سپیده قلیان زندانی سیاسی شناخته شده و محبوب و صدور حکم دو سال حبس برای وی است. سپیده قلیان در اسفندماه برای چند ساعت آزاد شد و سپس به علت شعار علیه رهبر جمهوری اسلامی مجدداً بازداشت شد. علاوه بر دو سال حبس احکام دیگری چون منع عضویت در گروه‌های سیاسی - اجتماعی، منع استفاده از تلفن هوشمند و منع اقامت در تهران و استان‌های همسایه به مدت دو سال برای او صادر شده است. سپیده قلیان همواره در زندان نیز صدای اعتراض زندانیان بوده است. سپیده باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد و پرونده امنیتی وی مسدود گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ تیر ۱۴۰۲، ۱۱ جولای ۲۰۲۳

به کارزار نجات عباس دریس بپیوندید!

در پی تأیید حکم اعدام عباس دریس توسط دیوان عالی جمهوری اسلامی، تلاش‌هایی زیادی برای نجات وی از اعدام در جریان است. کمیته بین‌المللی علیه اعدام همگان را فرامی‌خواند که به کارزار جهانی نجات عباس دریس بپیوندند.

عباس دریس کارگر زندانی و از معترضین آبان ۹۸ در ماهشهر، متولد سال ۱۳۵۲ و پدر سه فرزند است. او کارگر اداره برق شهرک ممکو بود و بعد از اتمام کار به همراه برادرش برای تأمین معاش دست‌فروشی هم می‌کرد. در یکی از روزهای اعتراضات سال ۹۸ وقتی که نیروهای جمهوری اسلامی به معترضین حمله‌ور می‌شوند این دو برادر به نیزارهای ماهشهر پناه می‌برند. نیروهای رژیم مردم را در نیزارها به گلوله می‌بندند و حمام خون براه می‌اندازند. مدتی بعد از جنایت هولناک نیزار توسط رژیم، عباس و برادرش دستگیر می‌شوند. عباس به اتهام محاربه به اعدام محکوم می‌شود و محسن دریس، برادر و دیگر هم‌پرونده‌های وی، از اتهامات انتسابی تبرئه می‌گردند؛ ولی برای باج‌گیری از این خانواده تحت عنوان «وثیقه» همچنان در زندان نگه داشته می‌شود. عباس دریس با اتهام ساختگی قتل رضا صیادی (از مأموران فراجا) محکوم به اعدام شده است. پس از صدور حکم اعدام، همسر وی، کفایه حزباوی، تحت فشارهای روحی و روانی زیاد دچار سکنه مغزی شد و جان باخت. عباس در زندان زیر شکنجه‌های فراوان مجبور می‌شود علیه خود دست به اعتراف بزند. در همان حال وی در طول چهار سالی که در زندان سپیدار اهواز بوده تلاش کرده است که با ساخت صنایع دستی چرمی به تأمین معیشت فرزندانش کمک کند. فرشته تابانیان وکیل عباس دریس عنوان کرده است که پرونده وی دارای ایراداتی است و شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور بدون توجه به این ایرادات حکم اعدام را صادر کرده است.

پس از تأیید حکم اعدام عباس دریس خانواده وی پا پیش گذاشته‌اند و از جهانیان خواسته‌اند که به کمک آنها بشتابند تا جلوی اعدام وی را بگیرند. در نامه خانواده عباس دریس چنین آمده است: «ما خانواده دریس، از تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و مجامع و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی تقاضا داریم تا به هر وسیله تلاش کنند از اجرای این حکم جلوگیری شود». همچنین مادر عباس دریس و فرزندان وی با انتشار ویدئوهایی برای نجات فرزند و پدر خود طلب کمک کرده‌اند. در همان حال «لوکاس هامر» کفیل عباس دریس در اتریش با در دست داشتن عکس عباس دریس به جلوی سفارت رژیم اسلامی در وین رفته و به حکم اعدام وی اعتراض کرده است. وی گفته است که به اقداماتش برای نجات عباس دریس ادامه خواهد داد.

رژیم نکبت اسلامی با اعدام معترضین می‌خواهد قدرت پوشالی خود را به جامعه نشان دهد. اما قدرت واقعی ما مردم هستیم که این رژیم را سراسیمه و مستأصل کرده‌ایم. تقلاهای حکومت اسلامی برای اعدام‌های بیشتر نشان‌دهنده درماندگی این رژیم در مقابل اعتراضات مردم و خیزش انقلابی زن زندگی آزادی است. برای خنثی کردن اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و برای جلوگیری از اعدام عباس دریس، این کارگر معترض زندانی وسیعاً دست به اعتراض بزنید. عباس دریس نباید اعدام شود. او باید بلافاصله آزاد شود و از وی رفع اتهام شود. دفاع از عباس دریس‌ها دفاع از حق اعتراض، دفاع از زندگی و دفاع از منزلت انسانی همه ماست. دفاع از عباس دریس دفاع از سه کودک اوست که نمی‌خواهند پدر خود را از دست بدهند. نیروی متحد ما، همچنان که بارها نشان داده‌ایم، می‌تواند رژیم اسلامی را به عقب براند و جان عباس دریس را نجات دهد. هر جا که می‌توانیم به خیابان بیاییم و صدای اعتراض خود علیه رژیم اعدام جمهوری اسلامی را بلندتر سازیم و یک‌صدا خواهان لغو حکم اعدام عباس دریس و آزادی فوری وی شویم.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۲۲ تیر ۱۴۰۲ - ۱۳ جولای ۲۰۲۳

در محکومیت ترور سیامند شابویی

از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران

حزب دموکرات کردستان ایران طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده: سیامند شابویی از اعضای این حزب در روز سه‌شنبه ۲۰ تیرماه توسط نیروهای تروریستی حکومت اسلامی ربوده شده و امروز چهارشنبه ۲۱ تیرماه جنازه بی‌جان او را در نزدیکی شهرک "بحرکه" در نزدیکی شهر هه ولیر کردستان عراق پیدا کرده‌اند. در دو هفته گذشته متأسفانه این سومین ترور اعضای حزب دموکرات کردستان ایران در کردستان عراق است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ترور سیامند شابویی را قویاً محکوم می‌کند به بستگان او و حزب دموکرات کردستان ایران تسلیت می‌گوید.

از مردم کردستان عراق و احزاب و تشکل‌های پیشرو در این منطقه انتظار می‌رود حکومت اقلیم را تحت فشار قرار دهند تا از همکاری با جمهوری اسلامی دست بردارد و مانع حضور جنایت‌کاران جمهوری اسلامی در این منطقه شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیرماه ۱۴۰۲

رژیم اعدام را عقب برانیم! صدای "عباس دریس" باشیم!

رژیم در تمام جبهه‌ها با انقلاب مردم، یعنی دشمنان اصلی‌اش درگیر جنگی تمام‌عیار است.

تعرض به معلمان، دانشجویان، زنان و کارگران، بازنشستگان و کودکان به‌قصد تعرض به کلیت جنبش و اتحاد و همبستگی ما انجام می‌گیرد. گلچین کردن، گروگان‌گیری، شکنجه، اعتراف‌کشی، اعدام و صدور احکام سنگین به فعالین عرصه‌های اجتماعی با همین هدف انجام می‌گیرد.

عقب‌نشینی رژیم اسلامی از حکم اعدام توماج صالحی باید به تعرض گسترده‌تر ما برای لغو تمامی احکام ضدبشری این رژیم تبدیل شود.

رژیم در چند روز گذشته علناً و با کمال وقاحت اعلام کرد که در بیدادگاه‌های واقعی‌شان یعنی شکنجه‌گاه‌های قرون‌وسطی و اسلامی‌شان "عباس دریس"، کارگر اداره برق "شهرک ممکو" شهر ماهشهر را به اعتراف واداشته‌اند و او را به جرم ناکرده قتل "سرهنگ صیادی" در نزارهای ماهشهر به اعدام محکوم کرده است.

متأسفانه، همسر عباس بعد از شنیدن حکم اعدام او سگته معزی کرد و درگذشت. امروز مادر پیر و دو فرزند او در خانه کارگری و فقیر زده‌شان در تبوتاب هستند و نگران قتل حکومتی فرزند و پدرشان فراخوان یاری داده‌اند!

اما رژیم علی‌رغم آگاهی خانواده این سرهنگ از بی‌گناهی عباس و عدم شکایت از او، بر اجرای حکم اعدام پافشاری می‌کند!

صدای اعتراض دو فرزند و مادر "عباس دریس" باشیم!

تشکیلات خارج کشور حزب از تمام مردم آزادی‌خواه! از تمام نهادها و شخصیت‌های علیه اعدام دعوت می‌کند که با:

- اعتراض خیابانی!
- در تماس با شخصیت‌های و نهادهای آزادی‌خواه!
- با رسانه‌ای کردن خبر حکم اعدام "عباس دریس"!
- به مقابله با تعرض رژیم و عقب راندنش فعالانه عمل کنند!
- صدای اعتراض فرزندان و مادر "عباس دریس" باشیم!

نابود باد جمهوری اسلامی!

زنده‌باد انقلاب "زن، زندگی، آزادی"!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ جولای ۲۰۲۳



زندان‌های سیاسی آزاد را باید گرووا!





توماج صالحی،
بی قید و شرط و فوراً
آزاد باید گردد!



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpiran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpiran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com